

## دبیر خانه امور معرفتی

### طرح نظام جامع اندیشه اسلامی

### درس: نظریه اقتصادی امامین انقلاب

### ارائه دهنده: استاد یوسفی

بسم الله الرحمن الرحيم

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین. وفات قافله سالار کربلا زینب کبری سلام الله علیها را تسلیت عرض می‌کنم. بحثی که خدمت عزیزان داریم «**مبانی اقتصادی امامین انقلاب**» هست. در این بحث، من حدود ده دوازده مطلب اساسی خدمت شما عرض می‌کنم. یکی **مبانی** است، یکی **بحث** امتداد مبانی. بحث مبانی به همان میزانی که اهمیت دارد، روش صحیح امتداد مبانی و خود امتداد مبانی نیز به اندازه خود مبانی مهم است.

گاهی ما می‌بینیم در برخی عرصه‌ها، البته آن چیزی که بنده خدمت دوستان عرض می‌کنم در بحث اقتصادی است. \_ می‌دانیم که مبانی ما تفاوت‌های اساسی با مبانی سائر نظام‌های اقتصادی دارد. این تفاوت اساسی که داریم عرض می‌کنیم یعنی تفاوتی که واقعا صد و هشتاد درجه می‌شود این تفاوت را تعبیر کرد؛ یکی در حد توحید محض، یکی در حد شرک محض. اما بناها را که وقتی ما بررسی می‌کنیم می‌بینیم که در خیلی جاها بناهایمان یکی است؛ یعنی این به این معناست که ما نتوانستیم روش صحیح امتداد مبانی را داشته باشیم. یکی از گره‌های اصلی علوم انسانی و تولید علوم انسانی بر اساس مبانی ما همان بحث امتداد مبانی است. تمام مکاتب اقتصاد و نحله‌های اقتصادی، ریشه تفاوت اینها، این است که یکی‌اش شده نظام سرمایه‌داری، یک نظامی شده نظام سوسیالیستی یا کمونیستی، اینها تفاوت اساسی شان در اصلی‌ترین مبانی آنهاست. **اصلی‌ترین هر مبنا و هر مکتب اقتصادی و هر نحله اقتصادی، بحث خدانشناسی و مبنای توحید و خدانشناسی است.** اندک تفاوتی در تلقی از در واقع در بحث خدانشناسی و توحید و رابطه **خدای** متعال با جهان هستی و انسان تفاوت‌های فراوانی را در بناها و در نظام اقتصادی آن مکتب ایجاد می‌کند. نظام سرمایه‌داری و نظام سوسیالیستی و کمونیستی را به عنوان مثال عرض می‌کنم تا تفاوت‌های مبانی نظام اقتصادی ما را با این نظام هم به عرض دوستان از منظر امامین انقلاب برسانم.

در نظام سرمایه‌داری با الغا و منتفی کردن توحید ربوبی خدای متعال، اراده خدای متعال را به عنوان خاستگاه کشف و طراحی نظام اقتصادی، منتفی و الغا کرد و به ناچار اراده انسان را به عنوان خاستگاه کشف و طراحی نظام اقتصادی قرار داد و تمام بناهای خود را، اهداف اقتصادی، ساختار اقتصادی، واژه‌ها، نهادها، سیاست‌ها و قوانین را، آن مبانی را امتداد داد در تمام این مبانی و وقتی نظام کمونیستی و سوسیالیستی در تلقی خودش از توحید افعالی و توحید عملی و از خداشناسی، متفاوت از نظام سرمایه‌داری عمل کرد، اساساً هر چه وحی، هر چه غیب، هر چه نادیدنی بود منتفی اعلام کرد لذا اساساً خدا را از صحنه زندگی اقتصادی مردم الغا و منتفی کرد آمد ساختار و بناهای متناسب با آن کفر را ترسیم کرد. نظام سرمایه‌داری، شرک به خدای متعال و نوعی خاصی از ساختار را ارائه داد، بناهای متناسب با آن را ارائه داد و نظام سوسیالیستی و کمونیستی هم به همین نحو.

### تفاوت اساسی اسلام با سایر مکاتب

تفاوت اساسی اسلام با سایر مکاتب چیست؟ اسلام نیز در اساسی‌ترین مبنا با نظام اقتصادی سرمایه‌داری و سوسیالیستی کمونیستی تفاوت جدی و اساسی دارد که آن هم بحث توحید و خداشناسی است. ما در بحث خداشناسی تفاوت جدی با این دو نظام داریم. اساسی‌ترین مبانی علوم انسانی و مبانی نظام اقتصادی و اقتصاد اسلامی در بحث توحید و خداشناسی است. ما در بحث خداشناسی، توحید محض و توحید بهت را قبول داریم، توحید افعالی و توحید عملی و در اینجا تفاوت اساسی با نظام سرمایه‌داری و نظام سوسیالیستی داریم. عرض کردم آنها یکی شرک به خدای متعال، یکی کفر به خدای متعال و امتداد دادند این مبنا را. ما هم وقتی تفاوت اساسی در این مبنا، ما توحید محض را قبول داریم پس باید بناهای متناسب با این مبانی اساسی را بتوانیم از این مبنا امتداد بدهیم و استخراج بکنیم و حتی بحث توحید آن قدر مهم است، آن قدر اهمیت دارد که جامعه‌شناسی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی، تحت تأثیر نوع خداشناسی است، نوع تلقی ما از خدای متعال با جهان هستی و انسان. نوع تلقی ما را نسبت به جهان هستی و انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی ارائه می‌دهد. این طور نیست که ما انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، و هستی‌شناختی را در عرض خداشناسی قرار بدهیم نه خیر در طول خداشناسی است. در طول توحید، نوع جهان‌شناسی و انسان‌شناسی ما متفاوت می‌شود و متناسب با این مبانی هستی‌شناختی و خداشناسی، ما باید بناهای متناسب را بتوانیم استخراج بکنیم. این کلیت و یک مقدمه‌ای بود.

من برای این امر تمسک می‌جویم به دیدگاه‌های ناب امامین انقلاب، امام خمینی رحمه الله علیه و مقام معظم رهبری. امام بیانی دارند که اگر ایمان به خدا و عمل برای خدا در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و سایر

شؤون زندگی بشر وارد شود، پیچیده‌ترین مشکلات امروزی جهان به آسانی حل می‌شود. خب امام چه می‌فرمایند؟ امام اولین مسأله را مبنا را بیان می‌کنند. مبنا را که بیان کردند که همان ایمان به خدا، خدایی که ما تعریف می‌کنیم، رابطه خدایی که ما، توحیدی که ما تعریف می‌کنیم، در تمام فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی، فقط بحث فردی نیست که اعتقاد به خدای متعال در رفتارهای شخصی من اثر بگذارد نه، در فعالیت‌های اجتماعی، در ساختارهای اجتماعی و سایر شؤون بشر.

بشر شؤونات مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دارد و می‌فرماید پیچیده‌ترین مشکلات امروز جهان را به آسانی حل می‌کند. آیا بدون تعیین اهداف؟ بدون تعیین ساختارهای اقتصادی؟ بدون تعیین نهادهای اقتصادی؟ بدون تعیین سیاست‌های اقتصادی؟ بدون تعیین قوانین اقتصادی؟ اینها بناهای آن ایمان به خدا و آن تعریفی که از خدای متعال و توحید داریم، در فرمایشات امام هست. بنابراین من از این عبارت امام این جور می‌فهمم که امام هم اساسی‌ترین مبنا را می‌فرماید و هم آثار و بناهای متناسب با آن مبنا را یعنی آن امتداد مبانی را.

اگر به اندیشه و فکر رهبر معظم انقلاب برگردیم خود اندیشه‌ها و مبانی فکری رهبری امتداد اندیشه و فکر امام خمینی است. رهبری در واقع تمام فکر و اندیشه‌های توحیدی و نکاتی که بیان می‌فرمایند وقتی که در کنار فرمایشات امام قرار می‌دهیم واقعا انسان به این نتیجه می‌رسد که نظرات و دیدگاه‌ها و اندیشه و مبانی فکری رهبری همان مبانی است و امتداد اندیشه‌های بنیانی رهبر کبیر انقلاب امام خمینی می‌باشد. و رهبری در بحث توحید، من بررسی‌ای که کردم در اساسی‌ترین مبانی اسلامی که در حوزه‌های مختلف مخصوصا در حوزه اقتصادی، بسیار اثرگذار هست، در تبیین توحید به عنوان یک دکترین نظام اقتصادی اسلام، فوق العاده موفق بوده است گرچه امام بر اساس همین توحید، نظام جمهوری اسلامی ایران را بنا نهاد، انقلاب اسلامی را بنا نهاد اما در تبیین توحید، من فکر می‌کنم که رهبری در بین اندیشمندان اسلامی - اگر نگوییم موفق‌ترین و قوی‌ترین و بهترین تبیین را دارد - از برجسته‌ترین تبیین‌های بین اندیشمندان اسلامی است که در واقع توحید را به عنوان یک دکترین حوزه‌های مختلف زندگی بشریت ایشان بیان می‌کند.

تعبیرهایی دارد ایشان: «توحید در قرآن تنها نگرشی بی‌تفاوت و غیرمسئول نیست. شناختی متعهد و بینشی فعال و سازنده است. طرز فکری است که در بنای جامعه و اداره آن و ترسیم خط سیر آن و تعیین هدف آن و تأمین عناصر حفظ و ادامه آن، دارای تأثیر اساسی و تعیین کننده است» این بیان رهبری است در «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن». باز بیان دیگر: «اگر چه بزرگ‌ترین رسالت توحید بنای جامعه توحیدی است» با این حال نمی‌گوید فقط

رفتارها و نمی‌گوید فقط تربیت انسان موحد، بلکه بنای جامعه توحیدی است «با این حال، تأثیرات این عقیده در روان و روحیه فرد نیز از شگفت‌آورترین ابعاد این اصل بنیانی دین است» هم بعد اجتماعی هم بعد فردی «به طوری که می‌توان گفت: عقیده به توحید دارای دو نوع سازندگی است: سازندگی فرد و سازندگی جامعه. انسان گرویده به توحید، تحت تأثیر این عقیده، از ویژگی‌های مهمی برخوردار است مثل امید بی‌پایان، شور و تلاش خستگی‌ناپذیر، آسیب‌ناپذیری از ترس و طمع، وسعت دید و نظرگاه، جهت‌گیری درست و مشخص، بخشی از آن را تشکیل می‌دهد»

بیان دیگری را از رهبری عرض بکنم «همه عزت و اعتلایی که به مسلمین وعده داده شده، در سایه چنین ایمان و درک روشن و عمیقی از توحید است. بدون فهم درست و پای‌بندی عقیدتی و عملی به توحید، هیچ کدام از وعده‌های الهی درباره مسلمانان عملی نخواهد شد» وقتی کسی بیانات رهبری را در بحث توحید، مورد بررسی قرار بدهد که اجمالا بنده این کار را انجام داده‌ام، دو تا نتیجه اساسی می‌توانیم از فرمایشات رهبری بگیریم؛ یکی اطاعت بدون قید و شرط از نظام‌های اجتماعی، ساختارها، الگوها و مدل‌های غیرتوحیدی سکولار، به منزله شرک به خداوند است. خیلی تعبیر و تعبیرهایی که در فرمایش‌های رهبری دارد تعبیرهای عجیبی است یعنی وقتی که توحید را پذیرفتیم باید بیاییم اهداف، ساختارها، نهادها، الگوها، مدل‌ها، سیاست‌ها قوانین با آن را استخراج بکنیم. این می‌شود امتداد مبانی و گرنه اگر ما مبانی توحیدی داشته باشیم، اندیشه‌های سکولار، مبانی کفر یا مبانی شرک داشته باشند و بعد در ساختارها، نهادها، مدل‌ها، الگوها، سیاست‌ها، قوانین در عرصه اقتصادی، تفاوتی نداشته باشیم معلوم است که این توحید، امتداد پیدا نکرده است. آن چیزی که مهم است، امتداد توحید در این ابعاد اقتصادی‌ای است که عرض کردم.

**مطلب دوم:** نظام اجتماعی جامعه توحیدی به کلی، مغایر، مابین و احیانا متعارض و متضاد با جامعه غیرتوحیدی است. این تغایر و تعارض باید در علوم انسانی - اسلامی و الگوها و مدل‌های اقتصادی جامعه اسلامی، نمود داشته باشد. اینها اگر اتفاق بیفتد می‌گوییم تولید علوم انسانی بر اساس مبانی اسلامی اتفاق افتاده است.

در مطالعات اقتصاد اسلامی، در ذکر مبانی، تغایر و تعارض، مشخص است. عرض کردم توحید، شرک و کفر؛ توحید محض از اسلام، شرک از نظام سرمایه‌داری، کفر از نظام سوسیالیستی و کمونیستی اما متأسفانه در ارائه نظریات، الگوها، مدل‌ها، ساختار، گاهی سیاست‌ها و قوانین این موضوع، برجسته نشده و خودش را نشان نداده است. علت اصلی این است که ما بحث امتداد مبانی و منطق صحیح امتداد مبانی و بناهای مناسب آن را متأسفانه در علوم

انسانی و اقتصاد توانستیم عمل بکنیم و فرمایشات رهبری، فراوان از این مسأله هست و بسیار الهام‌بخش برای اندیشمندان اقتصادی است که می‌خواهند اقتصاد اسلامی را مبتنی بر مبانی اسلامی، طراحی نکنند نه اسلام‌نمایی و اسلام‌مالی، یا فقه‌مالی و فقه‌نمایی، این نمی‌شود اقتصاد اسلامی. متأسفانه بسیاری از بحث‌های ما در اقتصاد اسلامی، نوعی اسلام‌نمایی و اسلام‌مالی است نوعی فقه‌مالی و فقه‌نمایی است نه واقعا بر اساس مبانی اسلامی، طراحی شده باشد امتداد پیدا کرده باشد. فرمایشات رهبری را ببینید، من بخش‌هایی از امتداد فرمایشات رهبری را در بحث اقتصاد اسلامی و در مباحث اقتصادی خدمت دوستان عرض می‌کنم.

## امتداد مبانی

مطلب مهم دیگر در کلام رهبری **بینید:** «. فلسفه‌های غربی برای همه مسائل زندگی مردم کم و بیش تکلیف معین می‌کنند» فلسفه **امتداد** پیدا کرده است «سیستم اجتماعی را معین می‌کند، سیستم سیاسی را معین می‌کند و سیستم اقتصادی را معین می‌کند، وضع حکومت را معین می‌کند، کیفیت تعامل با همدیگر را معین می‌کند» خب مبانی اسلامی هم باید به همین نحو باشد. فلسفه اسلامی هم باید به همین نحو باشد. توحید که در واقع جزء مبانی هستی‌شناختی اسلامی است را باید امتداد بدهیم. رهبری می‌فرماید «نقص فلسفه ما این است که این ذهنیت امتداد سیاسی و اجتماعی ندارد. فلسفه ما به‌طور کلی در زمینه ذهنیات مجرد، باقی می‌ماند و امتداد پیدا نمی‌کند. خود توحید یک مبنای فلسفی و یک اندیشه اسلامی است؛ اما شما بینید این توحید یک امتداد اجتماعی و سیاسی دارد» در حالی که ما این را در جامعه‌مان نمی‌بینیم و در اقتصاد مشاهده نمی‌کنیم. بحث امتداد مبانی در دو سطح فردی و اجتماعی در بین رهبری مطرح است. تمام این اصول جهان بینی در تنظیم روابط زندگی و پایه‌های حکومت اسلامی و اداره جامعه و اداره عالم، مؤثر است.

اگر بخواهیم واقعا این مبانی امتداد پیدا بکند، اثرش در کجاها آشکار می‌شود؟ من نمونه‌هایی را از امتداد مبانی در فرمایشات رهبری در رفتارهای فردی و اجتماعی، عرض می‌کنم. در بیان رهبری هست در بیان شهید مطهری، تصریح شده است و در بیان فرمایش رهبری هم تصریح شده است و اگر ما امتداد مبانی نظام سرمایه‌داری و نظام کمونیستی را ببینیم، کاملا این برای ما ملموس می‌شود. اولین اثری که نوع خداشناسی و نفی توحید ربوبی خدای متعال در نظام سرمایه‌داری داشته، نوع هدفی است که برای نظام فعالان اقتصادی تعیین شده است. وقتی که اراده انسان بعد از نفی اراده الهی به عنوان خاستگاه کشف و طراحی نظام اقتصادی سرمایه‌داری قرار گرفت، دیدند که این انسان در رفتارهای اقتصادی خودش، این انسان بریده از عالم اعلی و عقبی، خود فلاسفه نظام سرمایه‌داری

می‌گویند، و به آن نیمه پست دنیای انسان گفتند تو همه انسان هستی، بعد گفتند تو چه می‌خواهی در عرصه اقتصادی؟ دیدند این انسان به دنبال حداکثر کردن منفعت مادی شخصی است و تنها رفتار عقلانی در اقتصاد را پیگیری همین هدف قرار دادند و این تمام پیش‌فرض‌های نظریه‌های خرد و کلان در نظام سرمایه‌داری قرار گرفته است. دقیقاً آن را امتداد دادند مبنا را از تعیین هدف، منطق صحیح امتداد مبانی، قدم اول، تعیین هدف فعالان اقتصادی است. آیا ما می‌توانیم چنین هدفی را مبنا قرار بدهیم؟ وقتی این هدف در نظام سرمایه‌داری، مبنا قرار گرفت، اصل رفتاری رقابت آزاد از این استخراج شد، نوع مالکیت خصوصی مطلق از این استخراج شد بدون قید و شرط. خب ولی اگر بر مبنای توحید بیاییم جلو، قطعاً چنین هدفی را نمی‌توانیم به عنوان هدف و فعالیت اقتصادی قرار بدهیم و از درون اصل رفتاری رقابت، اصل رفتاری انحصار استخراج شد، قابل توجه شد اصل رفتاری انحصار. تمام ساختارها بر اساس این هدف، تعیین شدند، مشخص شدند، امتداد پیدا کرد این هدف، بانک‌داری خاص، بورس خاص، بازار کار خاص، بازار کالای خاص، ساختارهای اقتصادی، الگوهای اقتصادی و نظریه‌های اقتصادی دقیقاً بر اساس آن مبنا امتداد پیدا کرد و بر اساس این نوع هدفی که برای فعالیت اقتصادی، تعریف شد، هم‌اکنون امتداد آن مبنا بر این هدف قرار گرفت. حالا ما ببینیم که رهبری در امتداد مبانی چه می‌فرمایند؟

## دیدگاه مقام معظم رهبری در امتداد مبانی

**اولین مطلب** را حیات می‌فرمایند. اما درست است، ما هرگز نمی‌توانیم بگوییم هدف از فعالیت اقتصادی، تنها تعیین منفعت مادی شخصی خود و تنها خود به حد انحصارگرایی و تنها رفتار عقلانی را این قرار بدهیم در حالی که «من جاء بالحسنة فله عشر امثالها» پس ما هرگز نمی‌توانیم چنین هدفی را هدف فعالیت‌های اقتصادی قرار بدهیم. اولین مسأله امتداد مبنا، تعیین هدف است. از دیدگاه رهبری، بیانات رهبری را ببینید «مرز جهان بینی‌های الهی و مادی است از جمله ایمان به خدای متعال، ایمان به توحید، موحد بودن، توحید افعالی و توحید عملی در عرصه‌های علوم انسانی بسیار اثرگذار هستند که آثار زیادی را، هم در بینش انسان و هم در عمل انسان به وجود می‌آورد. ایمان به غیب، به انسان، هدف می‌بخشد: دقیقاً در فرمایشات بقیه اندیشمندان از جمله شهید مطهری نگاه کنید، اولین عنصری که امتداد مبانی را بیان می‌کنند، هدف است. زندگی و هدف است. فعالیت اقتصادی در عرصه اقتصادی و در عرصه سیاسی و در سایر عرصه‌ها «اصلاً هدفدار شدن زندگی، یکی از نتایج این بینش است» وقتی که شما توحید محض را توحیدی که اسلام معرفی می‌کند را مبنا قرار دادید، اولین مسأله و عنصری که از این مبنا به عنوان بنا استخراج می‌شود، **هدف حیات** است و این هدف حیات، در عرصه‌های مختلف زندگی و در عرصه اقتصادی، ظهور و بروز خاصی پیدا می‌کند که قطعاً با اهداف نظامات دیگر، متفاوت می‌شود. پس پیگیری هدف، تأمین رفاه

دیگران، رفتار عقلانی محسوب می‌شود بر مبنای توحید، در حالی که بر مبنای نظام سرمایه‌داری، این رفتار غیرعقلانی است. پیگیری منفعت خود و سایر فعالان اقتصادی به عنوان مبنای آن هدف. پیگیری منفعت خود بدون رفتار انحصارطلبانه، بدون رقابت **مخرب** با دیگران، به عنوان هدف نظام اقتصادی مبتنی بر این اساسی‌ترین مبنا می‌تواند به عنوان امتداد مبنا، اولین عنصر امتداد مبنا معرفی بشود. همین جور امتداد مبنا در ساختارهای جامعه. بیان رهبری را عنایت داشته باشید: «اگر از این بحث می‌کنیم که باید آزادی باشد یا انتخاب و اختیار در جامعه برای مردم وجود داشته باشد یا هر یک از سیاست‌های عمومی و کلی را مورد بحث قرار می‌دهیم، برای هر کدام از اینها مبنایی وجود دارد. همه آنچه که در زمینه برنامه ریزی‌ها، خطوط اصلی برنامه‌ها را تشکیل می‌دهد، یک سر این برنامه‌های اصلی وصل است به آبخور اندیشه اسلامی، جهان بینی اسلامی» توحید، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی اسلامی ذیل خداشناسی «تلقی و برداشت اسلامی آن مبنای فکری چیست؟» مبنای توحید و اعتقاد به وحدانیت حضرت حق در تمام شؤون فردی و اجتماعی جامعه اسلامی، تأثیر می‌گذارد و جامعه را به صورت یک جامعه هماهنگ و مرتبط با یکدیگر و متصل و برخوردار از وحدت، وحدت جهت و وحدت حرکت و وحدت هدف می‌سازد»

بنابر این اگر ما توحید را مبنا قرار بدهیم و بعد، ساختارهای اقتصادی را در جامعه نهادینه بکنیم، مثلاً فرض کنید مثل بانک که دائماً در جامعه، آثار واگرایی در امت اسلامی دارد. اگر نهادی را مثل بورس با این ساختار در جامعه نهادینه بکنیم، توحید را **بپذیریم** و دائماً در جامعه، نقش واگرایی داشته باشد در امت اسلامی، معلوم است که این بناها مبتنی بر آن مبانی و آن مبنای توحید نیست. آن مبنای توحید، بناهای خاص خودش را اقتضا دارد. اگر این را ما قبول بکنیم، اندیشمندان اسلامی در تحقیقات خودشان مسیر دیگری را برای رسیدن به علوم انسانی در حوزه‌های مختلف از جمله در حوزه اقتصاد به گونه دیگری عمل می‌کنند.

### **تأثیر واژه‌ها در جهت دهی علوم انسانی**

نکته دیگری که باید عرض بکنیم این است که واژه‌ها و مفاهیم در جهت‌دهی علوم انسانی و در جهت‌دهی اذهان، بسیار بسیار اثرگذار هستند. بسیاری از واژه‌ها در علوم انسانی، واژه‌های ارزش‌محور هستند یعنی مفاهیم و واژه‌هایی هستند که تنها بر اساس مبانی یک مکتب، معنا و مفهوم پیدا می‌کنند. برخی از واژه‌ها اگر بر اساس مکاتب مختلف، استعمال می‌شود، مشترک لفظی‌اند مثل هدف، مصلحت، سعادت، عدالت و آزادی. و بسیاری از این واژه‌ها اساساً بر اساس مبانی اسلامی، معنای دیگری دارند و بسیاری از واژه‌ها مبنایی است و اساس مبنای دیگر

اقتضای چنین واژه‌هایی ندارد. پس واژه‌ها را وقتی بررسی می‌کنیم، برخی واژه‌ها واژه‌های شرعی است مثل صلوات، صوم، طهارت، اینها را باید بینیم که شارع در خصوص اینها چگونه تعریف می‌کند. برخی واژه‌ها واژه‌های تخصصی است مثل تورم، برخی واژه‌ها واژه‌های عرفی است، واژه‌های عرفی هم گاهی عرف خاص است گاهی عرف عام است گاهی عرف ارزش‌محور است. آن بحثی که در واژه‌سازی مناسب با مبانی داریم واژه‌های ارزش‌محور هستند. بحث واژه‌های ارزش‌محور است. واژه‌های ارزش‌محور، یا ناشی از مبانی می‌شوند یا اگر این واژه در مکاتب مختلف استعمال می‌شود، معنای متناسب به آن مبانی باید ارائه بشود و تلقی بشود مثل آزادی و عدالت.

من بیانی از رهبری می‌خوانم و مختصری توضیح می‌دهم این مسأله را و یکی از چیزهایی که در هر حرکت عمومی و در هر نهضتی لازم است این است که بر اساس تفکرات و مبانی پایه‌ای این نهضت و جریان، هم بایستی واژه‌سازی بشود هم بایستی نهادسازی بشود.

یکی از اندیشمندان بزرگ اسلام، استاد عرفان و اخلاق حضرت امام، حضرت آیت الله محمدعلی شاه‌آبادی است که ما ایشان را فقط به عنوان استاد اخلاق و عرفان می‌شناسیم در حالی که آیت الله شاه‌آبادی دیدگاه‌های اقتصادی در هشتاد سال پیش داشت. ایشان یک آسیب‌شناسی اقتصادی از جامعه ایران، یک آسیب‌شناسی اقتصادی از نظام سرمایه‌داری، از نظام سوسیالیستی به عمل آورد و بعد آمد مبانی اینها را در واقع تحلیل کرد بررسی کرد، امتداد مبانی اینها را بررسی کرد و بر اساس امتداد مبانی، می‌گویند که ما یک اصلی را تحت عنوان «اصل رقابت» استخراج می‌کنیم بعد می‌فرماید اقتصاد یون می‌گویند ما در اقتصاد دو اصل داریم «اصل رقابت» و «اصل انحصار». انحصار بد است و رقابت خوب است. بعد ایشان خیلی تعجب می‌کند اینجا می‌فرمایند این چه جور استدلالی است که برخی از آقایان می‌کنند؟ انحصار، بد است پس رقابت، خوب است؟» بعد می‌فرمایند «اصل رقابت، اصل سببیت و درندگی است. انحصار زائیده رقابت است، رقابت، مادر اقتصاد است» و ما باید بر اساس مبانی اسلامی، رقابت به مفهوم متداول را هر جور بخواهیم در نظر بگیریم نمی‌توانیم با مبانی اسلامی، سازگاری بدهیم. رقابت به مفهوم متداول، نوعی نگاه سلبی و منفی به منافع برادر مؤمن است که در هیچ جای مبانی اسلامی جایگاهی ندارند. بعد، خودشان آستین علمی بالا می‌زنند می‌گویند آقایان، ما «اشداء علی الکفار رحماء بینهم داریم» آیه قرآن. بر اساس این مبنا می‌آیند اصلی را برای عرصه اقتصادی استخراج می‌کنند که البته من این اصل را مقداری بازسازی کرده‌ام. این مفهوم دقیقاً در فرمایش ایشان هست تحت عنوان با استفاده از آیه «تعاونوا علی البر و التقوی و لا تعاونوا علی الاثم و العدوان» ایشان می‌گویند یک اصل اساسی اقتصادی استخراج می‌کنند، **اصل تعامل**، مشارکت، همکاری در درون

مدل، خلاصه‌اش این است که اصل تعاون در درون مدل و رقابت مسئولانه با بیرون مدل. در حالی که ما به اصل آزادی هم می‌رسیم آزادی اقتصادی، آزادی اقتصادی مسئولانه است یعنی در واقع می‌فرمایند که مؤمنین در درون جامعه اقتصادی اسلامی باید با هم تعاون و مشارکت داشته باشند، نمی‌توانند با هم رقابت داشته باشند رقابت نگاه سلبی و منفی به منافع برادر مؤمن است ما بحث رقابت را در منافع اخروی بحث نمی‌کنیم. ما اصل رقابت را در بحث منافع اقتصادی و منافع مادی داریم بحث می‌کنیم آن «فلیتنافس المتنافسون» در منافع اخروی است آن اصلاً بحث اقتصاد نیست آن بحث منافع اخروی است که بله ما برای رسیدن به آن منافع اخروی با هم رقابت می‌کنیم. آن رقابت منتهی می‌شود که مردم جامعه مان به منافع بیشتر برسند. گذشت، ایثار، از خود گذشتگی، فداکاری، مشارکت، اینها در واقع عرصه رقابت باید در اینجاها رقابت داشته باشیم در امور دنیایی اما این رقابت به مفهوم متداولی که ما در اقتصاد داریم و بر اساس مبانی نظام سرمایه‌داری مبتنی بر شرک شکل گرفته و در واقع این واژه از آنجا در آمده، عرض کردم واژه‌سازی مناسب با آن نظام سرمایه‌داری است.

آنقدر ما ادله داریم که یک ادله لفظی که رقابت را نفی کرده و بعد آقای شاه‌آبادی اینجا تحلیل می‌کنند. رهبری می‌فرماید «اگر از واژه‌های بیگانه وام گرفته شود، فضا آشفته خواهد شد، مطلب ناگفته خواهد ماند. مفاهیم گوناگون مربوط به این علم را - چه در زمینه اقتصاد و چه در زمینه‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و سیاست - به شکل وحی منزل از مراکز و خاستگاه‌های غربی گرفته‌ایم و به صورت فرمول‌های تغییر نکردنی در ذهنمان جا داده‌ایم و بر اساس آن می‌خواهیم عمل و برنامه خودمان را تنظیم کنیم. ما در زمینه علوم انسانی، احتیاج به تحقیق و نوآوری داریم. مواد و مفاهیم اساسی‌ای هم که بر اساس آن می‌توان حقوق، اقتصاد، سیاست و سایر بخش‌های اساسی علوم انسانی را شکل داد و تولید و فراوری کرد، به معنای حقیقی کلمه در فرهنگ عریق و عمیق اسلامی ما وجود دارد که باید از آن استفاده کنیم». «یکی از مشکلات ما در طول این سال‌ها این بوده که افرادی آمده‌اند مفاهیم اسلامی را با مفاهیم غربی ترجمه کرده‌اند، حرف‌های غربی‌ها را تکرار کرده‌اند، دنبال تحقق آنها بودند؛ در حالی که انقلاب اسلامی برای این نیست. مفاهیم اسلامی مورد نظر است؛ عدالت با معنای اسلامی خود، آزادی با معنای اسلامی خود، کرامت انسان با معنای اسلامی خود؛ که اینها همه در اسلام روشن است، مبین است» عدالت، آزادی، کرامت و سعادت و مصحلت، اینها مشترک لفظی با نظام سرمایه‌داری و نظام کمونیستی است آنها هم این حرف‌ها را می‌زنند اما آن چیزی که ما از مبانی اسلامی، معنایی که استخراج می‌کنیم، غیر از اینهاست.

## نهادسازی

من یکی دو تا نکته را عرض بکنم و بحث را به اتمام ببرم. **نهادسازی** یکی دیگر از آثار امتداد مبانی است. وقتی رهبری می‌فرماید «وقتی یک انقلاب و یک حرکت تحقق پیدا می‌کند، بایستی دستگاه‌های مجری خود را (آن مجموعه‌هایی که آن هدف‌ها را باید دنبال کنند) به وجود بیاورد. یکی از کارها این است که دستگاه‌های موجود جامعه را متحول کند. یکی دیگر این است که دستگاه متناسب با خواست خود را به وجود بیاورد» و باز بحث دیگر امتداد مبانی در دو پایه اساسی اقتصاد است. من تعبیر رهبری را شاید این تعبیر را کمتر دوستان دیده‌اند یا کمتر استفاده می‌کنند. این هم جزء امتداد مبانی است «ما وقتی به صورت کلان به زمینه اقتصاد اسلامی نگاه می‌کنیم، دو تا پایه اصلی مشاهده می‌کنیم. هر روش اقتصادی، هر توصیه و نسخه اقتصادی که این دو پایه را بتواند تأمین کند، معتبر است. هر نسخه‌ای هر چه هم مستند به منابع علی‌الظاهر دینی باشد و نتواند این دو را تأمین کند، اسلامی نیست» ما بر اساس ظواهر فقهی حتی ممکن است بعضی‌ها را تأیید بکنیم اما رهبری می‌فرماید اگر این دو مؤلفه و پایه را نداشته باشد اسلامی محسوب نمی‌شود «یکی از آن دو پایه عبارت است از **افزایش ثروت ملی**. کشور اسلامی باید کشور ثروتمندی باشد؛ کشور فقیری نباید باشد؛ باید بتواند با ثروت خود، با قدرت اقتصادی خود، اهداف والای خودش را در سطح بین‌المللی پیش ببرد. پایه دوم، **توزیع عادلانه** و رفع محرومیت در درون جامعه اسلامی است.»

«در امتداد مبانی از نسخه‌های مخلوط باید پرهیز کرد» فرمایش رهبری است «اگر ما در زمینه اقتصادی و در زمینه تشکیلات اداری هم توصیه اسلام را دقیقاً عمل می‌کردیم یقیناً وضعیتمان بهتر از این بود و آنچه را که در زمینه‌های اسلامی عمل کرده‌ام متأسفانه یک نسخه مخلوط است» یعنی آنهایی که اعتراض می‌کنند اقتصاد اسلامی، در واقع این نتیجه اقتصاد اسلامی است، دقیقاً نتیجه نظام سرمایه‌داری است، عمل به توصیه‌های نظام سرمایه‌داری، عمل به نسخه‌های مخلوط است که الان جامعه ما به این مشکلات دچار شده است «چیزهایی از اسلام در آن هست اما مخلوط دارد. آن بخش مخلوط شده برای ما هرگز خیری به بار نیاورده است»

آخرین مطلب، اقتصاد مقاومتی با تفسیر رهبری از مهم‌ترین امتداد مبانی مهم‌ترین مبانی ما که توحید باشد، است. رهبری در واقع، همه اقتصاددان‌هایی که الگوی اقتصاد مقاومتی را بررسی کرده‌اند، اقتصاددان‌های منصف، معتقدند بعد از انقلاب، تنها الگویی که بر اساس مبانی اسلامی داریم، الگوی اقتصاد مقاومتی است. الگویی برآمده از اسلام و انقلاب، الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام. اینها تعبیرهای خود رهبری است. مردم‌بنیان، عدالت

محور، دانش بنیان، درون‌زا، برون‌گرا، رویکرد جهادی، مبلغ، فرصت‌ساز، پیشرو، اگر ما بخواهیم یک الگویی مبتنی بر مبانی توحیدی ارائه بدهیم، آن چیزی که تا الان داریم، الگوی اقتصاد مقاومتی است که در جنگ تمام‌عیار اقتصادی، این الگو اگر عملیاتی بشود ما می‌توانیم مرزهای اقتصادی نظام اقتصادی اسلام را از دست دشمن نجات بدهیم و این تنها الگوی دفاعی از مرزهای اقتصادی ماست.

سؤالاتی را دوستان فرموده‌اند و من مختصراً به این سؤالات جواب می‌دهم. البته برخی سؤالات فراتر از عرائض ماست ولی در عین حال، به مقداری که متوجه می‌شوم و می‌فهمم خدمت شما عرض می‌کنم.

### **سؤال: منظور از فقه مالی چیست؟**

**جواب:** مال در رفتارها و روابط ما داد و ستد می‌شود. بیع انجام می‌شود، مضاربه انجام می‌شود، انواع معاملات با مال انجام می‌شود. حکم تکلیفی و وضعی این رفتارها و روابط ما با این اموال و دارایی را می‌گوییم فقه مالی. یعنی مالی من به دیگری می‌فروشم. این فروش من صحیح است یا نه؟ این فروش من جایز است یا نه؟ اولی حکم وضعی است دومی حکم تکلیفی. پس فقه مالی یعنی فهم و تبیین احکام تکلیفی و وضعی رفتارها و روابط انسان‌ها با اموال و دارایی را ما می‌گوییم فقه مالی.

### **سؤال: مؤلفه‌های امتداد یافتن اقتصاد توحیدی در جامعه چیست؟ چه ساختارهایی باید حذف یا اصلاح شود؟ چه ساختارهایی باید ایجاد گردد؟**

**جواب:** این هم یکی سؤالاتی است که فرموده‌اند و در واقع سه سؤال را در یک سؤال بیان فرموده‌اند. من عرض کردم که اولین مؤلفه امتداد مبانی - من فقط در عرصه اقتصادی را عرض می‌کنم، عرصه‌های دیگر را باید سایر اساتید بفرمایند که ما استفاده بکنیم - در عرصه اقتصادی، اولین مؤلفه، تعیین هدف آن مبنای توحیدی است. مبنای انسان‌شناسی، جهان‌شناسی، جامعه‌شناسی ذیل خداشناسی و توحیدی است نه مستقل از خداشناسی و توحیدی. مبتنی بر آن مؤلفه هدف، اصل رفتاری از آن هدف، استخراج می‌شود. مبتنی بر آن اصل رفتاری و هدف، نوع مالکیت استخراج می‌شود، ساختار اقتصادی شکل می‌گیرد، نهادهای اقتصادی شکل می‌گیرند. چه ساختارهایی باید حذف یا اصلاح شوند؟ منظورشان از ساختارهایی که باید حذف یا اصلاح بشوند یا ایجاد کردند، ساختارهای و نهادهای موجودی است که ما در جامعه داریم.

ما در خصوص این طرح بانک‌داری هم بحث‌هایی داشتیم. ما معتقدیم که در نظام مالی، بازار کار، بازار کالا، ساختارهای پوشش ریسک، نیازمند به ساختارهای مناسب با مبانی اسلامی داریم. در بخشی از آنها به جراحی‌های

اساسی، نیاز داریم. تمام این ساختارها، ساختارها و بناهای با امتداد مبانی نظام سرمایه‌داری است. ما اینها را آوردیم در جامعه اسلامی مان دقیقاً نهادینه کردیم و بعد آمدیم تمام رفتارها و روابط اینها را فقط بر اساس حکم تکلیفی و وضعی، بررسی می‌کنیم و به اصل این ساختار هیچ توجهی نداریم. من یک مثال عرض می‌کنم. ما خدمت حضرت آیت الله العظمی آقای مکارم شیرازی مرجع عالیقدر رسیدیم، بحث خلق پول را برایشان تبیین کردیم. تعدادی از اندیشمندان اقتصادی و اقتصاد اسلامی که هم دانش آموخته‌های نظام اقتصادی سرمایه‌داری هم اقتصاد اسلامی و هم فقه اقتصادی، خدمتشان رسیدیم. وقتی که جریان خلق پول را برایشان عرض کردیم ایشان فرمودند که این پول خلق شده، منافعش مال کیست و چه کسی بهره‌مند می‌شود؟ ما عرض کردیم طبق آنچه در قانون جمهوری اسلامی ایران تعریف شده که حساب‌های جاری را به عنوان قرض تعریف کرده‌اند یا قرض الحسنه تعریف کرده‌اند، وقتی که این پول را در اختیار بانک قرار می‌دهیم به ملک بانک در می‌آید و از تمام منافع خلق پول، بانک بهره‌مند می‌شود و ملک خودش خواهد شد. ایشان فرمودند که این به لحاظ شرعی درست نیست. این اکل مال به باطل است. این اضرار است، این حتی شکل قمار دارد و بهره‌مندی بلازحمت بانک است.

خب ما یک بحثی هم داشتیم در جمع اساتید دانشگاه امام صادق، گفتیم این یک گزاره. گزاره دیگری را از این اساتید در جمع این عزیزان دانشگاه امام صادق پرسیدم و یک گزاره‌ای به دست آوردیم. گفتیم می‌شود بانک، بانک باشد و ماهیت بانکی داشته باشد و خلق پول نداشته باشد؟ خب اساتید، مستحضر هستند دانشجویان مستحضر هستند، اصلاً بانک اگر جریان خلق پول را از آن بگیرد، تبدیل به یک مؤسسه مالی معمولی می‌شود و ماهیت بانکی خودش را از دست خواهد داد.

گفتم خب این دو گزاره را کنار هم بگذارید، خلق پول، اکل مال به باطل و قمار و اضرار است. از آن طرف، ماهیت بانک بدون خلق پول نمی‌تواند تحقق داشته باشد. پس معلوم اس که این پیکره و این نهاد پولی با این ماهیت در نظام اقتصادی اسلام جایگاهی ندارد. خب پس اینجا باید یک حذف و اصلاح جدی صورت بگیرد. ما نهاد پولی متناسب با مبانی اسلامی خودمان نیاز داریم. اصل اولین مسأله در برخورد با نهادهای مبتنی بر مبانی اسلامی بر مبنای نظام سرمایه‌داری یا با بناهای مبتنی بر مبانی سرمایه‌داری،

اولین سؤال این است که برای ما بر اساس مبانی اسلامی آیا این نهاد با چنین خصوصیات و ماهیت در نظام اقتصادی اسلامی جایگاهی دارد یا ندارد؟ اینجا یک بحث مهمی پیش می‌آید که ما بحث موضوع‌شناسی سطح دو و سه داریم. یک وقت یک موضوع را بدون خصوصیات، آثار و پیامدهایش می‌آوریم در دستگاه فقه، تحلیل فقهی

می‌کنیم. یک وقت یک موضوعی مثل بانک را با آثار، پیامدها و تحولات ... فلسفه ایجادش می‌آوریم در دستگاه فقه، موضوع‌شناسی می‌کنیم. یک وقت این ماهیت، اولین سؤال در موردش این است که اساساً این ماهیت این است که اساساً این پیکره با چنین خصوصیتی در نظام اقتصادی اسلام بر مبنای اقتصادی اسلام و بر اساس توحید اصلاً جایگاهی دارد یا ندارد؟ دستگاه فقه ما یک جور دیگری است که نتوانست جواب بدهد مثل همین بانکی که عرض کردم. بنابر این ما نیازمند به تغییرات اساسی در تمام نهادهای اقتصادی‌ای هستیم که به عنوان بنای مبنای سرمایه‌داری در جامعه‌مان نهادینه کردیم و فقط رفتارها و روابط درون آن را سعی کردیم حکم تکلیفی و وضعی‌اش را استخراج بکنیم اما کل این پیکره آیا موجب تمرکز ثروت می‌شود یا نه؟ مصداق آن قاعده «الا یكون دولة بین الاغنیاء منکم» می‌شود یا نه؟ اینها را تحلیل و بررسی نمی‌کنیم باید این را در واقع اگر این جور بینیم بر اساس مبنای اسلامی بینیم که بسیاری از این ساختارها ممکن است نیاز به حذف یا اصلاح جدی و جایگزینی داشته باشد بر اساس مبنای اقتصادی امامین انقلاب.

**سؤال: پس از بیان مبنا می‌خواهم نظریه مبتنی بر این مبنا را بیان کنم یا فقط در این جلسه قصد داشتم تبیین مبنای اقتصاد اسلامی بکنم؟**

**جواب:** من از تبیین مبنا هم عبور کردم. عرض کردم که اگر این را به عنوان مبنای اساسی بپذیریم، با آن بناها را متناسب با آن را من مقداری اشاره کردم که بحث هدف بود بحث واژه‌ها بود، بحث ساختار بود، بحث مدل بود. البته اینها در جای خودش یک سری کارهای اولیه انجام گرفته است اندیشمندان اقتصاد اسلامی دارند در این زمینه کار می‌کنند. فقط می‌خواستم در اینجا عرض کنم که این مبنای بناهای مختص به خودش را اقتضا دارد. ما باید روش صحیح حرکت از مبنای و بناها را کشف کنیم که البته در این زمینه کارهایی صورت گرفته است و ما به مبنا فقط اکتفا نکردیم و به آن بناها هم اشاره‌ای کردیم.

**سؤال: ابتدا باید ساختاری مثل بانک یا بورس را بپذیریم و بعد دنبال اسلامی شدنش باشیم یا نه، باید به فکر نهاد جدید باشیم که مفسده‌های این دو را ندارد؟ اصلاً قائلید که نهادی مثل بانک با توحید می‌سازد یا نه؟**

**جواب:** نهاد، بانک یا بورس با آن ماهیتی که از نظام به عنوان بنای نظام اقتصادی سرمایه‌داری است قطعاً با مبنای توحیدی ما نمی‌سازد. شما آثارش را می‌بینید در جامعه ما، چون به تعبیر رهبری، ما اندیشه‌های مخلوط داریم عمل می‌کنیم که هیچ خیری برای ما نداشته. تا همین سال اخیر در مورد بورس و بانک را هم دیدید. اینها اسلامی

نیست. بله اگر جوری آمدیم به تعبیر برخی از مراجع، اسلام‌مالی و اسلام‌نمایی کردیم فقه‌مالی و فقه‌نمایی کرده‌ام. بله آن رفتارها و روابط درون اینها را ممکن است بر اساس ضوابط فقهی، تحلیل فقهی بکنیم یا بر اساس ادله لفظیه و اصول عملیه حکم صحت یا جواز استخراج بکنیم اما مجموع این رفتارها و روابط درون اینها و ماهیت و ساختار این نهاد چکاری به اقتصاد می‌کنند؟ متأسفانه ما کمتر به این می‌پردازیم.

اگر امتداد مبانی را درست بر اساس دیدگاه امامین انقلاب، بررسی داشته باشیم تحقیق داشته باشیم به نظر می‌آید که در اینجا تغییرات جدی باید داشته باشیم. ممکن است به حسب ضرورت، بانک و بورس را بپذیریم، ولی وقتی که از باب اضطرار، یک نهادی را پذیرفتیم کما این که اول انقلاب هم به این شکل بود و رهبری در فرمایشات خودشان هم دارند که اول انقلاب بالاخره ناچار بودیم و همین بانک ربوی در یکی دو سال اول در جامعه ما کار می‌کرد، گرچه مراجع و امام فتوا می‌دادند که ربا حرام است ولی بالاخره بانک‌داری ربوی در جامعه ما بوده و کار می‌کرد از باب اضطرار، ولی اگر این «الاضطرار» تبدیل بشود به «الاضطرار بالاختیار» در آن صورت «لا ینافی الاختیار» اگر ما قانون بانک‌داری غیرربوی را نوشتیم، باید برویم به سمت، اگر ناچار، باید برویم در مرحله بعدی به سمت بانک‌داری اسلامی گرچه آن هم بانک‌داری غیرربوی متأسفانه فقط روی کاغذ تحقق پیدا کرد و در عمل، تحقق نیافت، هم مراجع هم مسئولین دولتی و هم مردم معتقدند که بانک‌های ما نتوانستند گرچه ما بر اساس قانون داریم عمل می‌کنیم، چاره‌ای هم نیست، باید بر اساس قانون عمل کنیم اما رفتارها و روابط ربوی در سیستم بانکی ما فراوان است و همین جور رفتارهای غیرعادلانه در نهاد بورس، فراوان وجود دارد و اتفاق افتاده است. بله ممکن است ما ناچار باشیم اینها را بپذیریم ولی ما باید با پذیرش اینها دیگر خاطرمان جمع بشود، باید نحله‌های فکری و فقهی و علمی در حوزه و دانشگاه تشکیل بشود تا این اضطرارهایی که داریم تبدیل به «الاضطرار بالاختیار لا ینافی الاختیار» نشود که ما دیگر در اینجا به لحاظ دلیل شرعی، توجیه شرعی نخواهیم داشت اگر این اضطرار بالاختیار باشد.

**سؤال:** در غرب، فلسفه‌های مادی در لایه‌های مختلف ورود پیدا کرده. ما در اسلام علاوه بر فلسفه، فقه هم داریم که چارچوب‌های عملی را مشخص می‌کند. اگر قرار است فلسفه ما به عرصه‌های عملی امتداد پیدا کند در این بین، رابطه فلسفه و فقه چیست؟ نقش هر کدام دقیقاً چیست؟

**جواب:** من اینجا توضیح مختصری عرض می‌کنم. یک وقت ما می‌گوییم فقه اصغر، بله یک فقهی است که می‌آید حکم تکلیفی و وضعی رفتارها و روابط را در درون یک نهاد، ... می‌کند. حکم تکلیفی و وضعی رفتارها و

روابط درون یک نهاد، وظیفه فقه است، فقه اصغر، اما خود این نهاد، مبتنی بر مبانی اسلامی چگونه باید ساخته بشود؟ انواع رفتارها و روابطی که در درون این نهاد، شکل می‌گیرد که بعداً فقه اصغر باید بیاید حکم تکلیفی و وضعی‌اش را بیان بکند، آن رفتارها و روابط از کجا ایجاد می‌شوند؟ آیا ما باید همیشه منتظر باشیم که آن نهاد مثل بانک با انواع رفتارها و روابطی که در آن ایجاد می‌شود، بر اساس مبانی سکولار و شرک، شکل بگیرد، هم نهاد هم رفتارها و روابط و بعد، تنها ما باید بیاییم بر اساس فقه اصغر، حکم تکلیفی رفتارها و روابط را تعیین بکنیم؟ یا نه، مبانی ما و اساسی‌ترین مبنای ما و مبانی هستی‌شناختی ما و توحید ما اقتضای آن را دارد که اگر درست امتداد پیدا کند، ما ساختارها و نهادهای متناسب با مبانی خودمان را استخراج بکنیم؟ انواع رفتارها و روابط اینها را استخراج بکنیم؟ این کار فقه اصغر نیست این کار فقه اکبر است. فقه اصغر در درون فقه اکبر می‌تواند نقش سازنده خودش را برای جامعه اسلامی و رسیدن به اهداف اسلامی ایفا بکند و اگر ما اکتفا بکنیم به فقه اصغر، فقه اصغر در واقع به معنای دقیقش مقصود من از فقه اکبر، الهیات اقتصادی است با همه ابعاد و اجزایش. فقه اصغر فقه موجودی است که انواع احکام تکلیفی و وضعی رفتارها و روابط را تعیین می‌کند. پس با این حساب، رابطه فقه اصغر با فقه اکبر یا الهیات اقتصادی با فقه اصغر، رابطه عموم و خصوص مطلق است یعنی فقه اصغر در درون فقه اکبر قرار می‌گیرد یعنی هیچ کدام بی‌نیاز از همدیگر در نظام‌سازی، ساختارسازی، سیاست‌گذاری و قوانین نیستند.

**سؤال: چگونه از مبنا به بنا و به طراحی سازواره‌ها و نهادهای اقتصادی معیشتی اسلامی باید رفت؟**

**جواب:** عرض کردم اولین مؤلفه بنای مستخرج از مبنای توحیدی، هدفی است که انسان در حیات خودش تعیین می‌کند و هدفی است که انسان در اقتصاد تعیین می‌کند. اگر هدف، حداکثر کردن منفعت مادی شخصی باشد، تنها منفعت مادی شخصی، و رفتار عقلانی هم تنها همین باشد، ساختارهای اقتصادی، همین چیزی است که بر اساس نظام سرمایه‌داری ایجاد شده است. اما اگر هدف از آن چیزی که بر مبنای توحید استخراج می‌شود که این ... استخراج می‌شود، و در جای خودش بحث شده است که ما در واقع مقاله‌ای نوشته‌ام تحت عنوان «امتداد مبانی در حوزه اقتصادی و آثار آن در نظام و نهادهای اقتصادی» که دوستان اگر مراجعه بکنند می‌توانند بحث را در آنجا بیشتر ببینند و همراهی داشته باشیم از جهت علمی. و متناسب با این که هدف، منفعت مادی خود و دیگران باشد، دیگر اینجا اصل رقابت نداریم بلکه اصل تعاون داریم و رقابت بر مبنای آن چیزی که عرض کردیم با برونمان داریم «اشدء علی الکفار» مؤمنین در درون مؤمنین باید باهم مشارکت و همکاری داشته باشند. و جالب است من در بررسی‌ای که کردم، غیر از این سیاست‌های کلی‌ای که رهبری بیان می‌فرمایند یا بررسی‌ای که کردم در بیان مراجع،

در آنجاهایی که رهبری، خودشان از اقتصاد بحث می‌کنند یا آنجاهایی که از اصول و اساس اقتصاد را بیان می‌کنند، من در بیان مراجع و در بیان رهبری و در بیان امام در عرصه اقتصادی، واژه رقابت را نمی‌بینم. البته درست است سیاست‌هایی بیان می‌شود خب حالا بر اساس شرائط روز و شرائط خاص بالاخره آن سیاست‌ها بیان می‌شود و در آنها بحث رقابت می‌آید، امر دیگری است. بالاخره اندیشمندان می‌گویند شرائط اقتصادی ما این است که باید این سیاست‌ها را داشته باشیم یا اصل دیگری را ندارند. لذا این اصل، ما مقاله‌ای در این باره نوشته‌ام و چاپ هم شده است تحت عنوان «تحلیل فقه اقتصادی اصل رفتاری رقابت در اقتصاد اسلامی» ادله فراوانی داریم در هر صورت متناسب با این هدف، اساساً اصل دیگری شکل می‌گیرد، نوع مالکیت خاصی شکل می‌گیرد، ساختار اقتصادی خاصی شکل می‌گیرد نهادهای پولی و مالی خاصی هم شکل می‌گیرد. آن کاری که جناب حضرت آیت الله العظمی آقای محمدعلی شاه‌آبادی انجام دادند البته در هشتاد سال پیش، تحت عنوان بحث اقتصاد انجام دادند و به عنوان امتداد آن مبانی رسیدند به یک شرکتی تحت عنوان «شرکت محمد» و در واقع در آنجا می‌بینید که نهادهای مالی و نهادهای پولی و اصول رفتاری بسیار متفاوت است. البته ما آن دیدگاه‌های ایشان را متناسب با امروز، بازسازی کردیم تحت عنوان «امتداد الگوی شاه‌آبادی برای جبهه مردمی اقتصاد مقاومتی» مدل‌ها و الگوهای ارائه دادیم که دوستان با مراجعه با آنها می‌بینند که چطور ما باید ساختارها، نظام، نهادها حتی سیاست‌ها الگوها و مدل‌ها را به عنوان بناها متناسب با مبانی توحیدی می‌توانیم استخراج بکنیم. البته در این زمینه، قدم‌های اولیه‌ای بر داشته شده است حتماً قدم‌های محکمی باید بر داشته بشود اگر اندیشمندان اقتصادی در این زمینه، دست به تحقیق بزنند، تلاش بکنند نقد بکنند تقویت بکنند مباحث را، حتماً ما قادر خواهیم بود بناهای متناسب با مبانی خودمان استخراج بکنیم.

**سؤال: نقش گروه‌های خودجوش مردمی در تحقق اقتصاد مقاومتی چیست؟ اولویت در ورود به چه عرصه‌ای است؟ علمی- پژوهشی، گفت‌وگویی، عملیاتی، مطالبه‌گری و الی آخر؟ مدل‌های عملیاتی بر اساس اقتصاد مقاومتی متناسب با مجموعه‌ای مردمی در عملیات‌های محله‌محور چیست؟**

**جواب:** اگر وقت هست این را در آخر توضیح می‌دهم.

**سؤال: فرموده‌اند منبع فرمایشات آقای محمدعلی شاه‌آبادی کجاست؟**

**جواب:** ایشان کتابی دارد تحت عنوان «شذرات المعارف» که البته عربی-فارسی است واژه‌های فارسی هم یک مقدار سخت است باید تفسیر کرد. بنده آمدم اولاً از این کتاب یک مقاله علمی-پژوهشی در مجله علمی-

پژوهشی اقتصاد اسلامی شماره ۵۷ چاپ شده است. آنجا تحت عنوان الگوی اقتصاد آقای شاه‌آبادی آدمم الگو را استخراج کردم و بعد از آن، کارهایی تحت عنوان مبانی و مدل‌های مشارکت مردمی را استخراج کردیم و بر اساس دیدگاه‌های آقای شاه‌آبادی تحت عنوان امتداد الگوی آقای شاه‌آبادی، مدل‌هایی را طراحی کردیم. یعنی آن بحث جبهه مردمی اقتصاد مقاومتی به کمک مرکز راهبری اقتصاد مقاومتی حوزه‌های علمیه، مبانی و مدل‌ها را تحت عنوان امتداد الگوی آقای شاه‌آبادی استخراج کردیم به عنوان الگو و مدل عملیاتی جبهه مردمی اقتصاد مقاومتی که تشکل‌های مردمی آمدند این بخش سؤال آخر هم همین است. تشکل‌های مردمی و جهادی آمدند دور هم جمع شدند و جبهه مردمی اقتصاد مقاومتی را تشکیل دادند که تا الان حدود هفتصد تشکل که در سطح ملی دارای ظرفیت هستند دور هم جمع شده‌اند و تا الان سه تا نشست در سطح ملی داشته‌اند. در نشست اول، این تشکل‌ها من بحث اقتصاد مقاومتی را به عنوان امتداد مبنای توحیدی که رهبری فرمودند، به عنوان یکی از مؤلفه‌های امتداد دارم توضیح می‌دهم. در نشست اول این تشکل‌ها تقریباً هم قسم شدند که اقتصاد مقاومتی را محقق کنند. در نشست دوم، نقشه راه جبهه مردمی اقتصاد مقاومتی را تنظیم کردند. در نشست سوم مدل عملیاتی‌ای را تحت عنوان امتداد الگوی آقای شاه‌آبادی طراحی کردند که تمام بخش‌های توزیع، تولید، صادرات و واردات را در درون خودش جا داده یعنی تمام تشکل‌های مردمی‌ای که در این عرصه‌ها فعالیت دارند، می‌توانند در درون این مدل به فعالیت اقتصادی پردازند بر اساس اصول و مبانی و بناهای اسلامی. و در نشست چهارم، که چهاردهم اسفند در پیش است، کلیات برنامه اجرایی این مدل را این تشکل‌ها دارند ارائه می‌دهند. خوشبختانه حوزه به عنوان بازوی فکری، حضرت آیت الله اعرافی نماینده حوزه و شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه آقای حجت الاسلام حاج علی اکبری به نمایندگی از شورای سیاست‌گذاری، و جناب آقای سلیمانی رئیس بسیج مستضعفین به نمایندگی از بسیج و تشکل‌های مردمی، پای این نقشه راه را امضا کردند به عنوان سه نهاد پشتیبان جبهه مردمی اقتصاد مقاومتی. امیدواریم بعد از نشست چهارم، تشکل‌های مردمی در چارچوب مدل عملیاتی مبتنی بر مبانی اسلامی تحت عنوان امتداد الگوی آقای شاه‌آبادی که در این امتداد که داریم عرض می‌کنیم، از بیانات امام و از بیانات رهبری، فراوان استفاده کردیم برای این که آن الگوی آقای شاه‌آبادی را متناسب با امروز اقتصادی بازسازی کنیم. لذا عرض کردیم امتداد الگوی آقای شاه‌آبادی.

**سؤال:؟ اولویت در ورود به چه عرصه‌ای است؟ علمی - پژوهشی، گفتمان‌سازی، عملیاتی،**

**مطالبه‌گری؟**

**جواب:** بنده معتقدم که هر چهار تا در کنار هم باید پیگیری بشود. در جبهه مردمی اقتصاد مقاومتی و در مرکز راهبری اقتصاد مقاومتی در حوزه‌های علمیه که در سال ۱۳۹۳ تأسیس شده است اولین اقدامات ما در یکی دو سال اول، کار علمی-پژوهشی بود. آن چیزی که تولید شد، نباید فقط در بایگانی ... بماند. باید گفت‌مان‌سازی بشود. تلاش کردیم آن را تبدیل به گفت‌مان بکنیم و تشکل‌های مردمی را برای تشکیل جبهه مردمی اقتصاد مقاومتی پای کار آوردیم و پای کار آمدند. به دنبالش مدل‌های عملیاتی طراحی شد. الحمد لله شوراها و گروه‌های رصد و مطالبه‌گری هم شکل گرفته که امیدواریم روز به روز این جریان رصد و مطالبه‌گری هم تقویت بشود و ما بتوانیم با داشتن مجلسی همراه و با داشتن دولتی همراه با جبهه مردمی اقتصاد مقاومتی، اقتصاد مقاومتی را در جمهوری اسلامی ایران محقق کنیم که قطعاً اگر الگوی اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران محقق و عملیاتی و اجرا بشود، هم مشکلات اقتصادی ایران حل خواهد شد و هم به عنوان یک الگوی اسلامی می‌توانیم به جهان ارائه بدهیم و صادر بکنیم. تشکر می‌کنیم از حوصله‌ای که به خرج دادید و عرائض ما را توجه کردید و سؤالات شما حاکی از این بود که الحمد لله فرهیختگانی دارند این عرائض ناقابل را می‌شنوند امیدواریم خداوند به همه ما توفیق عنایت بکند تا بتوانیم از مبانی اصیل اسلامی و بناهای متناسب با آن، بناهای متناسب با آن برسیم خداوند انشاءالله رهبر معظم انقلاب را طول عمر و توفیق عنایت بفرماید. والسلام علیکم ورحمه الله.